

خورشید مهربانی

بزرگان دینی و افراد مؤمن و سخنرانان، خیلی از مهربانی پروردگار برای ما گفته‌اند و سخن‌های بسیاری در این زمینه نقل کرده‌اند و به‌راستی که همین‌طور است، اما همیشه برای تحقق این چنین چیزی شرط و شروطی وجود دارد. آفتاب هم بر همه چیز می‌تابد و نور و گرمای خود را از هیچ چیزی دریغ نمی‌کند اما لازمه استفاده از این نور و گرما، این است که خود را در معرض آن قرار بدهیم و پشت به‌آن نکنیم و از آن خودمان رامخفی نکنیم. آری بسیاری از ما درباره شعاع الطاف الهی این‌گونه هستیم و توبه، یعنی بازگشتن به‌سوی او‌تانور مهربانی‌اش زندگی‌مان را فرابگیرد و همه چیز را روشن کند.

«خدایی که منتظر آمدن و مشتاق دیدن ماست» شهید ثانی این حدیث را از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^(ع) نقل کرده که حضرت از علی ابن حسین^(ع) نقل کرده است: «خداوند به‌موسی^(ع) وحی فرمود: حَبِّبْنِیْ اِلَیَّ خَلْقِیْ، وَ حَبِّبْ خَلْقِیْ اِلَیَّ، قَالَ: یَا رَبِّ، کَیْفَ اَفْعَلُ؟ قَالَ ذَکَرْتَهُمُ الْاَوَّلَیَّ وَ نَعْمَانِیْ لِیُجِیْبُوْنِی، فَلَا اَنْ تَرُدَّ اِیْقَاعَیْ نَایِیْ اَوْ ضَالًّا عَنْ فَنَائِیْ خِیْرَ لَکَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِیَامٍ نְهَارَها وَ قِیَامٍ لَّیْلِها، مرا در نظر بندگانم دوست بشناسان و کاری بکن که من هم مخلوقات خودم را دوست بدارم. موسی^(ع) عرض کرد: خداوند! این کار را چگونه انجام بدهم؟ خداوند فرمود: نعمت‌ها و احسان‌های مرا برای آنان بیان کن تا مرا دوست بدارند. اگر تو بنده‌ای را که از در من روگردان شده به‌سویم برگردانی و گمراهی را به‌آستانه‌ام عودت بدهی، برای تو بیش از یک سال عبادت ثواب دارد که روزهایش را روزه گرفته باشی و شب‌هایش را نماز شب خوانده باشی.» (کلیات حدیث قدسی، ج ۱، ص ۱۵۶) خداوند عالم در قرآن کریم به پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «بَنِّیْ عِبَادِیْ اُنِّیْ اَنَا الْعَفُوُّ الرَّحِیْمُ»، یعنی ای فرستاده من، نه تنها به مؤمنان و نه تنها به مسلمانان، بلکه به همه بندگان من خبر بده که من بسیار آمرزنده و مهربان هستم. شرط تحقق این آیه، البته به‌آن است که انسان در مسیر عبودیت پروردگار به‌مرز بندگی رسیده‌و زندگی خود را براساس تقوای الهی تنظیم کرده‌باشد. اگر این شرط محقق شد و انسان به‌درجه «عبادی» رسید، آن گاه می‌تواند از صفت بسیار آمرزنده و مهربان بودن خداوند بهره‌مند شود.

همچنین ذات اقدس پروردگار در آیه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِیْنَ اُشْرَفُوا عَلَیْ اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّیْ یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ حَیْثُما اِنَّهٗ هُوَ الْعَفُوُّ الرَّحِیْمُ»، یعنی ای پیامبر^(ص) به‌بندگان من که مسیر شهوت‌رانی در پیش گرفته‌اند و به‌دلیل مطامع و هواوهوس خود گناه کرده‌اند، بگو که از رحمت خدا ناامید نشوند زیرا که من بسیار آمرزنده و مهربان هستم و همه گناهان آن‌ها را می‌بخشم.

امام سجاد^(ع) نیز با اشاره به‌همین مضمون در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: «اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْغَافِلُ وَ فَوْلَکَ حَقٌّ وَ وَغَدَّکَ صِدْقٌ وَ اَسْأَلُوْا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِکُمْ رَحِیْمًا وَ لَیْسَ مِنْ صِفَاتِکَ یَا سَیِّدِیْ اَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَ تَمْنَعُ الْعَطِیَّةَ وَ اَنْتَ الْمُنَّانُ بِالْعَطِیَّاتِ»، یعنی ای خدا تو معبودی هستی که کلامت حق و وعده تو صادق است. تو به‌بندگان امر کردی که از فضل تو بجویند و خود را به‌آنان مهربان معرفی کردی. در این شرایط، شایسته‌تو نیست که بنده را امر به‌طلب حاجت کنی و عطیه و مرحمت خود را از آنان دریغ فرمایی، همان‌طور که تاکنون هم به‌همه بندگان خود بسیار مرحمت کرده‌ای.

یکی از مواردی که انسان را در معرض این مهربانی و رحمت و مغفرت خداوند بزرگ قرار می‌دهد، خواندن همین مناجات‌ها و همین دعا کردن و صدازدن خداوند است که دعا در احادیث ما، مغز و ریشه عبادت معنا شده است، دعایی که معانی بسیاری در درون خود دارد و تو با این عمل نشان می‌دهی که معتقد به‌آن ذاتی هستی که عالم در دست او بوسته به‌اراده و محتاج به لطف اوست و ابراز نیاز به‌آن ذات بی‌نیازی کنی و عبادت معنایی جز این ندارد.

از خداوند بزرگ طلب می‌کنیم که نتیجه این ماه بزرگ، یعنی ماه مبارک رمضان را که بر ما گذشت، در ما نزدیک‌تر شدن به‌این عبادت و عبودیت قرار بدهد تا اعمال و رفتارمان بهتر از پیش و عبادت‌ها و دعاهایمان بیشتر و مؤثرتر از گذشته باشد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بپرس و بدان

حکم تنبیه بدنی کودک



در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود را به شماره ۰۲۲۸۹۳۰۰۰ یا ما در میان بگذارید.

● حکم تنبیه بدنی کودک یا دیگران چیست؟ اگر شخصی فرزند خردسال خود را بزند، به نحوی که تا چند دقیقه جای آن سرخ شود، آیا واجب است دیه دهد؟ اگر جای آن سرخی پایدار یا کبود شود چگونه؟ و آن را به چه کسی باید داد؟

● **آیت‌ا...العظمی‌خامنه‌ای**

در فرض سؤال که پس از رسیدن به سن بلوغ است، جایز نیست و اجازه پدر یا مادر تأثیر ندارد. جواب قسمت دوم سؤال: در فرض سؤال دیه واجب است و دیه آن باید به ولی داده شود و اگر ضارب خود ولی است، دیه را باید برای کودک نگهداری کند.

● **آیت‌ا...العظمی‌سیستانی**

اگر تأدیب غیربالغ متوقف بر زدن باشد، پدر یا شخص دیگری با اجازه پدر می‌تواند او را تنبیه کند و احتیاط واجب آن است که بیش از سه ضربه نباشد و این کار را از روی شفقت و دلسوزی انجام دهد، به نحوی که موجب قرمزی یا سبزی یا سیاهی بدن او نشود، اما اگر بالغ باشد بنا به احتیاط زدن او جایز نیست.

۱- دیه واجب می‌شود.

۲- به خود فرزند باید داده شود و می‌تواند اموالی که پدر بر ایشان روزانه خرج می‌کند از دیه حساب کند.

● **آیت‌ا...العظمی‌مکارم شیرازی**

تنبیه بدنی کودکان در عصر و زمان ما عوارض و پیامدهای نامطلوبی دارد، بنابراین درحداًمکان باید از آن صرف‌نظر کرد و از راه‌های دیگر، نظیر تشویق‌ها یا محرومیت از برخی امکانات، مسافرت‌ها و تفریحات با آن‌ها برخورد کرد. تا ضرورت قطعی وجود نداشته باشد باید از تنبیه بدنی خودداری کرد و به فرض ضرورت قطعی، باید طوری باشد که آسیبی به بدن نرسد و حتی سرخ و کبود نشود. در صورتی‌که سرخی یا کبودی پایدار حاصل شود، دیه را باید به خود آن فرزند بپردازند، یا مثلاً در حسایی که به‌نام اوست بربزند.



مرهم یا شمشیر؟

بر اساس آیات و روایات، این موارد را درباره سخن گفتن رعایت کنیم

حمیده‌ذاکری اطرافیان ما معمولاً از روی نحوه حرف‌زدن‌مان و کلماتی که برای بیان مقصود‌مان انتخاب می‌کنیم، ما را قضاوت می‌کنند و معمولاً آنچه به‌زبان می‌آوریم، تأثیرش از اعمال و کردارمان نیز بیشتر است. امام علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «ای مردم! انسان ۱۰ خصلت دارد که زبان او آن‌ها را آشکار می‌کند: زبان، گواهی است که از درون خبر می‌دهد. داوری است که به‌دعواها خاتمه می‌دهد. گویایی است که به‌وسیله آن به‌پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود. واسطه‌ای است که با آن حاجت‌ها برآورده می‌شوند. وصف کننده‌ای است که با آن اشیا شناخته می‌شوند. فرماندهی است که به‌نیکی فرمان می‌دهد. پنددهنده‌ای است که از زشتی باز می‌دارد.

خوش‌بیانی حق زبان است

امام سجاد^(ع)
در رساله حقوق‌شان
بیان می‌کنند که یکی از حقوق
زبان، آن است که با این عضو فحش،
دشنام و ناسزا گفته نشود. قرآن کریم نیز
در این زمینه می‌فرماید: «زبان را حمل کن
بر ادب، یعنی وادارش کن که مؤدبانه
حرف بزند، طبق روایات، زبان بیانگر
عقل انسان است.

فصل عین‌السنن

زبانی که می‌تواند زخم بزند

زخم‌زبان زدن
شیوه‌ای ناپسند در گفتار
است. این ویژگی به‌خصوص وقتی شکل
عادت به‌خود می‌گیرد، فقط مخصوص افراد
تندخو و بد اخلاقی نیست، گاه برخی از ما که نکته‌سنج
هستیم یا دارای تفکر انتقادی بالاتری نسبت به‌دیگران
هستیم نیز ممکن است گرفتار این معضل شویم و با
انتقاد تند و نیش‌زبان اطرافیان‌مان را برنجانیم. رنجشی
که گاه تأثیر و تلخی‌اش برای مخاطب از زخم حقیقی
برنده‌تر است. امیرالمؤمنین^(ع) در این باره می‌فرماید:
«زخم‌زبان، دردناک‌تر از زخم تیزه است،»
(میزان‌الحکمه جلد ۱۰ صفحه ۳۶۵)

اهانت و تحقیر ممنوع است

همان‌طور
که گفته شد حتی زمانی
که حق با ماست و می‌خواهیم درباره
عمل نادرستی به‌افراد تذکر بدهیم، لازم است
که بیان خوش‌و نیکو داشته‌باشم. اهانت و تحقیر زبانی
در باره افراد، لطمه‌زدن به‌سرمایه ابرویی و نادیده‌انگاشتن
شخصیت آنان است که در شمار بزرگ‌ترین آفت‌های زبانی
قرار دارد. رسول اکرم^(ص) در این باره فرموده‌اند: «خوارترین
و ذلیل‌ترین مردم کسی است که به‌مردم اهانت کند و آنان
را پست بشمارد،» (نهج‌الفصاحه/ ۴۸)
رسول خدا^(ص) در این باره همچنین فرموده‌اند: به‌تحقیق،
بدترین مردمان کسی است که به‌دلیل بدزبانی‌اش،
هم‌نشینی با او را ناخوش و ناپسند می‌شماری.
(اصول کافی ۳/ ۵۲)

دشنام را بادشنام پاسخ ندهیم

دشنام
باتوجه به آیات شریفه قرآن
و کلمات معصومین^(ع) از بدترین ردایل
اخلاقی و به‌دور از روح اسلام و انسانیت و مایه ظلم
و آزردن مؤمن و اهانت به‌خود شخص خواهد بود. اسلام حتی
دشنام به‌افراد گمراه و خارج از دین را نهی صریح فرموده است،
قرآن می‌فرماید: «خدا دوست نمی‌دارد که کسی به‌گفتار زشت (به‌عیب
خلق) صدا بلند کند، مگر آنکه ظلمی به‌او رسیده باشد، همانا که خدا
شنوا و داناست،» (نساء/ ۱۴۸) در روایات آمده است که حتی در پاسخ اهانت
و دشنام دیگران هم نباید از حد گذشت و به‌بدزبانی دچار شد. امام علی^(ع)
شنیدند که فردی به‌یکی از یاران فحش می‌دهد، او هم می‌خواست، جواب
بدهد. حضرت فرمودند: رها کن و خاموش باش. یار امام^(ع) گفت: آقا
فحش و ناسزا می‌داد، امام فرمودند: به‌تو فحش و ناسزا داد، تو فحشش
نده. اگر عصبانی شدی، می‌خواستی ناسزا بگویی، خودت
رانگاه‌دار. در این صورت خداوند متعال از انسان راضی
است و شیطان عصبانی می‌شود. باز گو کردن
فحش هم مثل فحش است.

تسلیت‌دهنده‌ای است که غم‌ها با آن آرامش می‌یابد. حاضری است که با آن کینه‌ها برطرف می‌شوند و دل‌ربایی است که گوش‌ها با آن از لذت برخوردار می‌شوند، حتماً برای شما هم پیش آمده است که از خوش‌زبانی و انتخاب کلمات افراد خوشتان بیاید، کلام نیکو و پسندیده سخن گفتن نه تنها از نظر اخلاقی و عرفی امری خوب است، بلکه در دین اسلام نیز به‌این امر توصیه شده است. قرآن برای سخن گفتن آداب‌ی را بیان می‌کند. به‌عنوان مثال به‌نحوه سخن گفتن پایدر و مادر، رسا بودن کلام، نرم‌گویی، نیکو سخن گفتن، بهره‌بردن از بهترین جملات و... اشاره دارد. در ادامه به‌چند نمونه نهی شده از سخن گفتن اشاره می‌کنیم.

زبانی که ترسناک است

درباره تندزبانی
دور روایت از امام صادق^(ع)
نقل شده است. ایشان در روایت اول
می‌فرمایند: «إِنَّ اَلْعَفْوَ خَلَقَ اللّٰهُ عِبْدَ اَلْعَفْوَ
النَّاسِ لِسَانَهُ»، یعنی میغوش‌ترین افراد، آن کسی
است که مردم از زبان او بترسند. مثلاً زن و فرزندان
در خانه از زبان او بترسند یا فقادر جلسه از زبانش و اهمه
داشته باشند و در گفت‌وگو با او دچار تردید و واهمه
باشند. آن حضرت در روایت دیگری می‌فرماید:
«مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَةَ فُھُو فِی النَّارِ»،
یعنی هر که مردم از زبان او بترسند،
در آتش است.

قرآن به‌بدزبان‌ها هشدار داده است

ممکن است
برای هر کدام از ما پیش
بیاید که از کسی دلخور باشیم یا از عمل
کسی ناراحت باشیم و بخواهیم به‌او تذکر
بدهیم، حتی در این زمینه هم به‌ما اجازه سرزنش
و توهین داده نشده است. قرآن کریم می‌فرماید: وای
به‌کسی که بدزبان باشد: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»، خداوند
متعال به‌کسانی که سرزنش، عیب‌جویی، زخم‌زبان
یا غیبت می‌کنند، گفته است: «وای به‌تو، یعنی وای
بر افراد بدزبان، چه‌بدزبانی آن‌ها لُمزه، به‌معنای
عیب‌جویی و زخم‌زبان باشد. چه‌بدزبانی آن‌ها،
«همزه»، به‌معنای غیبت باشد.